

عنوان مقاله:

گفتمان هنر در نقشه مهندسی فرهنگی ایران

محل انتشار:

هفتمین کنفرانس بین المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسنده:

گیتا مصباح - استادیار، گروه نقاشی دانشگاه هنر شیراز، شیراز، ایران

خلاصه مقاله:

رابطه دو سویه فرهنگ و اندیشه را به واسطه نقش بنیادین فرهنگ در تمدن میتوان موثرترین بخش جوامع در نظر گرفت. فرهنگ با الهام گیری از اندیشه رو بنای تمدن را شکل می بخشد از این رو اندیشه می تواند به شکل عنصر تعیین کننده نقش ایفا نماید. هنر در ارتباط مستقیم با اندیشه و بیان بصری آن بیانگر اندیشه جوامع است. مهندسی فرهنگی با هدف شتاب دهی به شکل گیری فرهنگ، کارکردها وساختارهای هریک از نظام های فرعی را بر مبنای فرضیه ها، ارزش ها و باورهای نظام ارزشی، برپایه شاخص ها و ارزش های بالادست تدوین بازبینی و بازسازی می کند. این پژوهش با هدف شناخت نظام گفتمانی حاکم بر هنر در نقشه مهندسی فرهنگی کشور با روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه که ابزار مناسبی را جهت کشف مناسبات قدرت و تولید دانش در اختیار قرار می دهد انجام شده است. این پژوهش از نوع کیفی گردآوری مطالبه به شیوه اسنادی (کتابخانه ای) است. نتایج تحلیل نشان می دهد نظام گفتمانی هنر هماهنگ و هم راستا با نظام گفتمانی فرهنگی کشور بر اساس یک دال مرکزیت فرهنگ اسلامی شکل می گیرد. هویت ایرانی نه به عنوان دال مرکزی مستقل بلکه در کنار دال مرکزی فرهنگ اسلامی معنا می یابد. شکل گیری نظام گفتمانی فرهنگی بر مبنای دور هم جمع شدن گفتمان های عدالت، هویت، کارآمدی، ارتباطات، نظم و انضباط، مدیریت، امنیت، استقلال، آزادی، تعلیم و تربیت است. و نهادهای فرهنگی متولی نظارت و بررسی دایم ماهیت تولیدات فرهنگی و هنری هستند که قدرت سیاسی به عهده مجریان فرهنگی در سراسر کشور گذاشته شده است تا کلیه فعالیت های هنری و فرهنگی بر مبنای گفتمان های مدیریت، نظم و انضباط، هویت، استقلال، آزادی شکل گیرند و گفتمان های با محوریت فرهنگ اسلامی ایرانی به عنوان گفتمان خودی برجسته سازی و سایر گفتمان ها به عنوان "دیگری" طرد و به حاشیه رانده شوند.

کلمات کلیدی:

مهندسی فرهنگی، هنر، تحلیل گفتمان، لاکلاو و موفه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1197154>

